

ادبیات تطبیقی: ضرورتی علمی و فرهنگی برای دانشگاه‌های ایران

ادبیات تطبیقی دو ساله شد. راه‌چندانی نیامده‌ایم، ولی با نقشه راه و برنامه آمده‌ایم. در این مدت کوتاه، تلاش کرده‌ایم تا گام‌ها را کوچک ولی مبتنی بر نظریه و روش تحقیق علمی برداریم. این نکته را در همان شماره اول گفتیم و در شماره‌های متعاقب آن مؤکد داشتیم، چون معتقدیم راه پیشرفت علمی در هر رشته‌ای منوط به داشتن دانش کافی در زمینه نظریه‌ها و روش‌های جدید تحقیق است و بر خود فرض می‌دانیم که کج‌راهِها را به پژوهشگران این رشته — به‌ویژه دانشجویان جوان و علاقه‌مند — نشان دهیم. از همان آغاز، می‌دانستیم که پای در راهی ناپیموده و دشوار گذاشته‌ایم؛ نه تنها می‌بایست تحولات نظری و رویکردهای جدید این رشته را معرفی کنیم، بلکه بدفهمی‌های رایج را نیز شناسایی و تصحیح کنیم. به سخن دیگر، لازم بود در کنار تبیین ساحت نظری ادبیات تطبیقی به نقد ساختارها و روش‌های کهن و منسوخ هم بپردازیم.

چنین راهبردی، به دلایلی که اینجا مجال پرداختن به آنها نیست، تا سرحل ناممکن دشوار بود. ولی همین چهار شماره اول به سرعت جای خود را در میان پژوهشگران بینارشته‌ای در داخل و خارج کشور باز کرد و مقاله‌های علمی وزین‌تری را به سوی این نشریه نوپا روانه ساخت. استقبال خوانندگان با حمایت‌های بی‌دریغ رئیس فاضل و ادب‌پرور فرهنگستان همراه شد و بر شوق و اراده ما برای ادامه راه افزود و سختی‌ها را بر ما آسان کرد.

در همه دنیا، رسم بر این است که بزرگان علم و ادب و متفکران و اصحاب اندیشه را در فرهنگستان‌ها گرد هم آورند تا طرح‌های نو درافکنند و سخنی تازه بگویند و راه را بر دیگر پژوهندگان بکشایند. با مطالعه‌ای مختصر درمی‌یابیم که فرهنگستان‌های کشورهای پیشرفته محل تولید نظریه‌ها و بینش‌های جدید و اعضای آنها از پیشگامان علم و اندیشه بوده‌اند. در این میان، فرهنگستان‌هایی که با فرهنگ و ادب و هویت ملی

— یعنی علوم انسانی — سروکار دارند جایگاهی والاتر و مسئولیت خطیرتری داشته‌اند. بی‌تردید فرهنگستان زبان و ادب فارسی که حافظ میراث گرانبهای هویت و فرهنگ این مرز و بوم کهن است جایگاه ویژه‌ای در میان سایر فرهنگستان‌ها دارد. ما نیز در گروه ادبیات تطبیقی با عشق و علاقه کمر همت بستیم تا این حرمت علمی را پاس داریم. پس به وسوسه چاپ نشریه برای کسب امتیاز تن در ندادیم و هم بر خود و هم بر دیگران سخت گرفتیم و راهی را در پیش گرفتیم که راهگشای این علم برای نسل جوان پوینده ما باشد. نتیجه این کوشندگی و سخت‌گیری علمی جلب اعتماد اهل دانش و قلم در داخل و خارج بود که مجله ما را برای چاپ مقاله‌های وزین خود برگزیدند. البته، همچنان‌که پیش‌تر نیز گفته‌ایم و دیگران هم خاطرنشان کرده‌اند، این نشریه عاری از کاستی و ضعف نبوده است. «نه هر که چهره برافروخت دلبری داند».

بر آن بوده‌ایم تا هر شش‌ماه با چاپ مجله‌ای عرصه‌های نوین در قلمرو پژوهش‌های ادبیات تطبیقی را به تدریج به خوانندگان معرفی کنیم. علاوه بر چاپ نشریه، در تیر ماه سال ۹۱ کارگاهی نیز برای آشنایی با نظریه‌ها و روش‌های تحقیق در ادبیات تطبیقی برگزار کردیم که با استقبال خوبی مواجه شد و شرکت‌کنندگان خواستار ادامه آن شدند. از آن رو که قلمرو ادبیات تطبیقی در دنیا هر روز گسترده‌تر می‌شود، تصمیم گرفتیم دست‌کم برخی شماره‌ها را به موضوع ویژه‌ای اختصاص دهیم تا بتوانیم در یک شماره تصویر کامل‌تر و منسجم‌تری از روندهای تازه این رشته ارائه دهیم و، بدین‌سان، به شیوه‌ای ساختمان‌د و گام‌به‌گام به اهداف نشریه نزدیک شویم. نگاهی اجمالی به برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و نشریه‌های علمی معتبر دنیا و محورهای همایش‌های بین‌المللی حاکی از گسترش دائم مرزهای پژوهش در قلمرو ادبیات تطبیقی در شرق و غرب است. جالب‌تر آنکه در حالی‌که این رشته در غرب به دلیل سابقه تاریخی اروپامحورش با چالش‌های جدی روبه‌رو شده، در محافل علمی مشرق‌زمین به همت متفکران و اندیشه‌ورزان پسااستعماری شرقی و مطرح شدن نظریه‌های نو اقبال کم‌نظیری یافته است.

اما در ایران، تا به حال، بخش عمده پژوهش‌های ادبیات تطبیقی به همان سنت مطالعات تأثیرات ادبی بین زبان‌ها و ملل مختلف محدود بوده است و از ادبیات تطبیقی نو که سرشتی بینارشته‌ای دارد کمتر سخن گفته شده است. ارتباط ادبیات تطبیقی با

مطالعات ترجمه یکی از این حوزه‌هاست که در این شماره به آن پرداخته‌ایم. از دیدگاه سنتی، ترجمه ادبی امری اشتقاقی و دست دوم به حساب می‌آمده، در صورتی که امروزه بسیاری برآن‌اند که ترجمه کاری خلاق است. بر خلاف باورهای رایج، ترجمه فقط پل ارتباطی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نیست و نقش آن تنها به مطالعه تأثیرات و روابط ادبی محدود نمی‌شود. با ظهور رویکردهای جدید در نقد ادبی، مطالعات ترجمه نیز دگرگون شده و با سایر رشته‌های علوم انسانی در هم آمیخته است. امروزه ترجمه‌پژوهی با سایر حوزه‌های علوم انسانی همچون نقد ادبی، فلسفه، مطالعات فرهنگی، مردم‌شناسی، مطالعات پسااستعماری و هنرها پیوندی تنگاتنگ دارد. بر همین اساس است که برخی صاحب‌نظران آن را یک رشته آکادمیک بینارشته‌ای مستقل و برخی دیگر آن را ادبیات تطبیقی در کسوتی جدید می‌دانند.

در این شماره، انوشیروانی در «ادبیات تطبیقی و ترجمه» با طرح چند نظریه متفاوت در اصل وفاداری و حفظ امانت در ترجمه ادبی گره‌افکنی می‌کند و می‌کوشد تا آن را از زاویه دید تطبیقگر مورد بررسی قرار دهد. گراسمن، مترجم سرشناس آثار ماندگار ادبیات جهان و عضو فرهنگستان هنر و علوم آمریکا، در «چرا ترجمه مهم است» که پیشگفتار کتابی با همین عنوان از اوست، به اهمیت فرهنگی ترجمه و نقش مترجم می‌پردازد. در «تأملی بر ادبیات تطبیقی در قرن بیست‌ویکم»، باسنت دورنمایی از جهت‌گیری و موقعیت ادبیات تطبیقی در سده بیست‌ویکم به دست می‌دهد و به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های نظرات خود و اسپیواک می‌پردازد. دیک دیویس، استاد ادبیات فارسی دانشگاه ایالتی اوهایو و مترجم بنام شاهنامه فردوسی و منطق‌الطیر عطار و ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی، در مقاله «در ترجمه‌ناپذیری شعر حافظ» به طور ویژه به ترجمه شعر کلاسیک فارسی می‌پردازد. او شعر را به طور کلی ترجمه‌ناپذیر نمی‌داند، بلکه معتقد است که شعر برخی شعرا ترجمه‌پذیر نیست و این شاعران همان‌ها هستند که هویت یک ملت را در آثار خود تلخیص می‌کنند. گوسمان با سوزان جیل لوین، استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه کالیفرنیا در سانتا باربارا و از مترجمان سرشناس ادبیات امریکای لاتین و پژوهشگری بنام در حوزه مطالعات ترجمه، درباره مباحث مهم در ترجمه و تألیف گفت‌وگو می‌کند. به عقیده لوین، مترجم ادبی نویسنده‌ای خرابکار است؛ آنچه نابود می‌کند قالب متن اصلی است، ولی معنی و مفهوم آن را در قالبی دیگر

باز می‌آفرینند. بزرگ‌چمی در «کتاب‌شناسی کتاب‌های ادبیات تطبیقی در ایران» مجموعه ارزشمندی از کتاب‌های ادبیات تطبیقی در ایران ارائه می‌دهد که برای علاقه‌مندان به تاریخ پژوهش‌های ادبیات تطبیقی بسیار مفید خواهد بود.

در بخش گزارش، مطلبی از رایان بلوم داریم که با اشاره به ترجمه انگلیسی جمله آغازین رمان بیگانه نوشته کامو به بررسی تفاوت فرهنگی دو زبان می‌پردازد. در «نظریه و روش تحقیق در ادبیات تطبیقی»، انوشیروانی، ضمن ارائه گزارشی از نخستین کارگاه آموزشی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، بار دیگر به اهمیت آشنایی با نظریه‌ها و روش‌های تحقیق در ادبیات تطبیقی اشاره می‌کند.

در بخش بعد، سه کتاب معرفی و نقد شده‌اند. ترجمه پژوهی نوشته سوزان باسنت یکی از کتاب‌های معتبر در زمینه مطالعات ترجمه است. کتاب درآمدی به پژوهش‌های ادبی تطبیقی نوشته پراور از متون درسی رشته ادبیات تطبیقی به حساب می‌آید و نگاهی جامع به حوزه‌های پژوهش در این رشته دارد. در آخرین مطلب این بخش، آبتین گلکار به معرفی و نقد کتاب تازه شفیع کدکنی، با چراغ و آینه: ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران، می‌پردازد.

امیدواریم این نخستین تجربه ما در انتشار ویژه‌نامه موضوعی مورد قبول خوانندگان و علاقه‌مندان به پژوهش در عرصه‌های نوین ادبیات تطبیقی قرار گیرد و در آینده بتوانیم این راه را به مدد پژوهشگران و همکاران کوشا ادامه دهیم.

علی‌رضا انوشیروانی